

در کارنامه‌اش ثبت نشده است. با این بازیگر پیشکسوت که در ذهن مخاطبان بسیاری خاطر‌ها را ساخته است، درباره حضورش در این فیلم گفتگو کرده‌ایم:

درباره نقش متفاوتی که در فیلم «شین» بازی کردید، بگویید... این شخصیت چه ویژگی‌هایی دارد؟

نقشی که من در این فیلم بر عهده دارم، نقش کوتاهی بود که البته بعد کوتاه‌تر هم شد. من شخصیتی را بازی کردم که به نوعی از اطلاعات ماورایی برخوردار است و از ماجرابی که در یک خانه اتفاق افتاده و به تفرین دچار شده، می‌گوید و یادآوری می‌کند باید برای جایی که به تفرین دچار شده، به دنبال حلالیت طلبیدن بود و از کسی که در حق او ظلم شده حلالیت طلبید تا این گره باز شود و در نهایت شرایط به گونه‌ای رقم می‌خورد که دیگر امکان حلالیت طلبیدن وجود ندارد.

ارتباط اولیه شما با فیلمنامه این فیلم چگونه بود؟

فیلمنامه را که خواندم خیلی از آن خوشم آمد، چون ژانر متفاوتی داشت و حداقل در چند سال اخیر فیلمنامه‌هایی در این ژانر نداشتیم. به نظر من فضای خاصی داشت و تصور می‌کردم این فضای ماورایی و دلهره‌آور، برای بیننده هم دلپذیر و جذاب باشد. علاوه بر جذابیت فیلمنامه، کارگردانی آقای کزازی هم در فیلم سینمایی «شین» بسیار خوب بود. دکوپاژ خوبی داشت و در مجموع بازی در این فیلم را دوست داشتیم.

فیلم «شین» فضای دلهره‌آور دارد که برای مخاطب جذاب است، شما چه حسی نسبت به این ژانر دارید و فکر می‌کنید چرا در سینمای ایران کمتر به فیلم‌هایی در این ژانر پرداخته می‌شود؟

پرداختن به این ژانر کمی سخت است. به نظر من برخی اوقات باید ما خطر کنیم. گاهی به خاطر همین سخت بودن کار، خیلی از ژانرها را فراموش کرده‌ایم و به چند تالوکیشن در خیابان و آپارتمان بسنده می‌کنیم و فکر می‌کنیم هر چه کار ساده‌تر باشد، شاید روان‌تر هم باشد و مخاطب راحت‌تر با آن ارتباط برقرار کند چون جنس خودش و جامعه‌اش را می‌بیند. و در دهه این ژانرهای متفاوت جسارتی می‌خواهد که کارگردان این فیلم آقای کزازی این جسارت را از خود نشان داد. فیلمساز باید خطر کند و دست به ریسک بزند. این یک واقعیت است تا فیلمساز خطر نکند نمی‌تواند یک حرکت متفاوت انجام بدهد. حتی به بازیگر هم باید این فرصت را داد که خطر کند. اما بازیگر دست و پایش بسته است و بر اساس پیشنهادهایی که به او می‌شود، دست به انتخاب می‌زند و نمی‌تواند خارج از آن حرکت کند. در این مسیر سلیقه‌شناسی هم می‌توان کرد که این نوع فیلم‌ها چقدر مخاطب دارد و چند درصد آنها از ژانرهای متفاوت مثل ژانر دلهره‌آور استقبال می‌کنند.

مخاطبان همیشه شما را در نقش‌های مثبت روی برده سینما و در قالب تلویزیون دیده‌اند و هیچ وقت نقش منفی از شما دیده نشده است. چقدر به تجربه نقش‌های متفاوت علاقه‌مند هستید؟

تاکنون خیلی کم پیش آمده که ایفای نقش‌هایی متفاوت باشم، اما با این حال، پیش‌تر در «لراهییم خلیل‌الله» محمدرضا ورزی نقش شیطان را بازی کرده بودم. بازیگر وقتی از قالب همیشگی خودش بیرون می‌آید، بیشتر و بهتر می‌تواند حرکت‌های درست انجام دهد. برای بازیگر لازم است که نقش‌های متفاوت با چهره‌ها و قالب‌های متفاوت ارائه دهد تا هم تأثیر بهتری روی بیننده داشته باشد و هم خودش را محک بزند. من از این تجربه‌ها استقبال می‌کنم. در فیلم «شین» هم نقش برای خود من جذابیت داشت و امیدوارم که برای مخاطبان هم به همان اندازه جذابیت داشته باشد.

به شاخصه‌های همکاری با میثم کزازی اشاره کردید. چه تحلیلی از حضور جوانان خلاق در عرصه فیلمسازی و ارتقای کیفی سینمای ایران در آینده دارید؟

ایده من این است که باید به جوان‌های میدان داد. باید با جوان‌هایی که وارد عرصه کارگردانی می‌شوند کار کنیم و به آنها فرصت بدهیم. چه بسا کارگردان‌های قدرتمندی که در بین همین جوانان بودند و آثار جذابی را خلق کردند. کارگردان‌های جوانی که با دکوپاژ و ریتم خوب، کارهای نفس‌گیر می‌سازند و من به شدت معتقدم باید هر کاری که از دستمان برآید برای کمک به آنها انجام دهیم. این عرصه متعلق به عده خاصی نیست و همان طور که در طول همه این سال‌ها به بازیگران جوان فرصت حضور داده می‌شود، باید به کارگردان‌های جوان هم فرصت داد. میثم کزازی با دقت کار می‌کرد و به عبارتی مورا از ماست بیرون می‌کشید. من از کارگردانی او خوشم آمد چرا که این دقت نظر باعث شد ریتم فیلم بسیار خوب از آب درآید. یعنی بافیلمی مواجه هستید که اصلاً از دیدن آن خسته نمی‌شوید.

بیشتر از سیصد فیلم اکران نشده در ایران داریم که به خاطر کرونا در نوبت اکران ملده‌اند و با این شرایط نمی‌توان توقع بیشتر از این داشت و باید در همین حد که فیلم به اکران رسیده و چند سالن سینما به آن اختصاص یافته است، خوشحال باشیم. لذتبخش بودن تماشای فضاهای سینمایی این است که در سالن سینما اتفاق بیفتد و به طور کلی جای دیدن هر فیلمی سینماست. اما چاره‌ای نیست و فیلم‌ها در مسیر اکران به اکران آنلاین و شبکه نمایش خانگی هم می‌رسند.

فیلم بعدی در چه حال و هوایی و با ژانری خواهد بود؟

اگر بازخورد خوبی از فیلم «شین» بگیریم، ممکن است فیلم بعدی را هم در همین فرم و فضا پیش بروم و ممکن هم هست که به طور کلی فضای متفاوتی را تجربه کنیم اما در نهایت قصه تعیین کننده است و در حال حاضر قصه‌ای که براریم تکان‌دهنده باشد، نیست. برای نوشتن فیلمنامه هم اصرار و ازمایی ندارم که خودم حتماً آن را بنویسم و به هر حال کارگردان همیشه هر قصه‌ای را باید از فیلتر ذهنی خودش عبور بدهد و همیشه یک نسخه بازنویسی شده کارگردان هم وجود دارد.

فخرالدین صدیق شریف:

«شین» فیلمنامه جذابی داشت

فخرالدین صدیق شریف از آن دسته بازیگران با تجربه‌ای است که همیشه در نقش آدم‌های خوب و دلنای قصه ایفای نقش کرده و با وجود توانمندی‌ها و قابلیت‌هایی که داشته، کمتر فرصتی برای حضور در نقش‌های متفاوت برایش به وجود آمده است. او در فیلم سینمایی «شین» نقش متفاوتی را بازی می‌کند که تا پیش از این

فیلم محکم باشد و یکی از چاره‌هایش اقتباس از گنجینه‌های احمیت خوه‌مان است که با این اقتباس می‌دانیم که حداقل نگین انگشتری ما درست و صحیح است.

مخاطب چه جایگاهی در مسیر فیلمسازی شما دارد؟ ترجیح می‌دهید طیف وسیعی از مخاطبان عام داشته باشید یا آن که فیلمی بر اساس دغدغه‌های شخصی خود بسازید، هر چند مخاطب آن خاص یا اندک باشد؟

این یک بحث بنیادی و فلسفه زندگی هر آدمی است که با هنر و انتشار یک اثر هنری سروکار دارد. تصور کنید رستورانی که گوشت فلسدی را برای مشتریانش سرو می‌کند، هر کسی این گوشت فاسد را مصرف کرده باشد قطعاً مسموم می‌شود و چنین رستورانی هم به عنوان جریمه پلمپ می‌شود. اما بسیاری از خر و جی‌های فرهنگی ما که خوراک فرهنگی فاسد برای مخاطبان سرو می‌کنند که اثر نملطوب آن هم چند روزه از بین نمی‌رود بلکه در درازمدت این آثار ناملطوب در ذهن مخاطب بر جای می‌ماند و چنین مراکزی نه تنها جریمه نمی‌شوند بلکه همچنان به کار سودآورشان ادامه می‌دهند. هنرمندان یک اصل را در زندگی خود دارند که مامی میریم اما آثار فرهنگی و هنری ما اعم از کتاب‌ها، فیلم‌ها و... برای مخاطبان باقی می‌ماند. بنابراین همه ما برای مخاطب کار می‌کنیم، اما این که چه خوراکی برای مخاطب فراهم می‌کنیم بسیار مهم است.

شرایط اکران تاکنون چگونه بوده است؟

خدا را شکر گره‌پخش زحمت خودشان را می‌کشند اما در این شرایط همیشه آن چه که دلمان می‌خواهد، کمتر اتفاق می‌افتد. ما